

امید مهدی نژاد

طناب

کارگاه طناب بافی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

حساس کنونی

مقطع

همه به خوب دیدن عادت کرده بودند. ادبیات کهن ایران پر است از اشعار و متونی که به آدم‌ها یادآوری می‌کند خوشبین باشند، به هم خوبی کنند. ایرانی‌ها به صورت سنتی و دیرینه باور داشتند از هردست بدهی از همان دست می‌گیری؛ پس خوبی بده تا خوبی بگیری. خداوند در قرآن می‌فرماید اگر می‌خواهید به رستگاری برسید، اول بلند شوید و بعد فکر کنید تا مسیر رستگاری را پیدا کنید. این بلند شدن به نظر تقدم عمل است به بی‌عملی و دست روی دست گذاشتن که می‌توان آن را به مثبت‌اندیشی و حسن‌ظن نسبت به دیگران هم مرتبط دانست. اگر امیدوار باشی و نسبت به آینده روشن امید داشته باشی، راهی که انتخاب می‌کنی هم راه درست‌تر و بهتری خواهد بود که در آخر تو را رستگار می‌کند.

فرق بین خوشبینی و سادهلوحی

می‌گویند انسانی که رابطه‌اش با خودش خوب است، باخدا هم ارتباط بهتری دارد. آدم‌ها چگونه می‌توانند رابطه بهتری با خودشان داشته باشند؟ وقتی امیدوارند، وقتی در خود و دیگران خوبی‌ها را می‌بینند. وقتی این خوشبینی وجود داشته باشد، درونت و قلبیت روشن می‌شود و این موقع است که ایمان و توکل به خدا هم بیشتر می‌شود. البته بگویم خوشبینی با سادهلوحی فرق دارد. شاید مردم ما این روزها زیاد خوشبین نیستند، چون احساس می‌کنند، از این خوشبینی سوءاستفاده شده و آنها را انظار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آسیب دیده‌اند. اما فرق زیادی است بین خوشبینی و سادهلوحی. آدم‌ها اندیشه دارند و زمانی که با تفکر و تعمق به اطراف و اتفاقات نگاه می‌کنند، اجازه نمی‌دهند از آنها سوءاستفاده شود. راه درست را انتخاب می‌کنند و ادامه مسیر می‌دهند اما این باعث نمی‌شود خوشبینی به آینده، پیرامون و اطرافیان را به بدبینی تبدیل کنند. در هم‌نوعان خود دید بینند و احساس کنند آدم‌ها به هم بدی می‌کنند پس آنها باید همیشه مراقب خود باشند و اول به دیگران بدبین باشند و تا آزمون و خطا را طی نکرده و آدم‌ها را به روش‌های مختلف امتحان نکنند. نسبت به آنها ظن خوب پیدا نکنند. این حجم از بدبینی شاید به این دلیل است سیاستمداران ما خوب عمل نکرده‌اند و همه چیز را به نفع سیاستمداران صادره کرده‌اند. مثلاً پیروزی انقلاب اسلامی، حرکتی کاملاً مردمی بود اما به مرور مردم کنار گذاشته شدند و این حرکت کاملاً سیاسی شد. وقتی مردم از همه جریان‌ها و اتفاقات کنار گذاشته شوند کم‌کم بدبینی اجتماعی و فردی در آنها تقویت می‌شود. روی این موضوع باید کار شود با راهکار فرهنگی و رسانه‌ای. در این روش سیاستمداران باید پای خود را کنار بکشند و بگذارند عزت‌نفس به مردم برگردد و آنها باور کنند تصمیم‌گیرندگان و عمل‌کنندگان واقعی هستند.

کافه میرداماد

تاثیرگذار باشد و رابطه ما با اطرافیان و هم‌نوعان مان بهتر باشد.

بشیر باشیم قبل از نذیر بودن

این شاعر به تعالیم مذهبی اشاره می‌کند و می‌گوید: قرآن پر است از تعالیم خوشبینی به هم. خداوند در قرآن پیامبر را بشیر و نذیر معرفی می‌کند اما قبل از این که بگوید پیامبر تذکردهنده است، وعده می‌دهد او بشارت‌دهنده است؛ یعنی اول خوبی‌ها را می‌بیند و بشارت می‌دهد به خوبی. در سوره شریع، حضرت مریم (ع) در اوج نومی‌دهی به سمت شرق حرکت می‌کند؛ شرق جایی است که خورشید طلوع می‌کند، گرم است و مردمانش خوب‌پسند و خوبی‌کننده هستند.

به نظر ما در این زمینه‌ها و معرفی آثار ادبی و تعالیم مذهبی اگر خوب کار می‌کردیم و مردم را در معرض این همه آثار بی‌بدیل قرار می‌دادیم، الان

نسل جوان پاپه‌خوار نیست

مردم ایران ذاتاً و به شکل سنتی خوشبین بودند. به نظر می‌رسد از دوره قاجار تملق‌گویی به فرهنگ ایرانی‌ها وارد شد. درباریان برای این‌که بیشتر از پادشاهان قاجار بگیرند، شروع به مجیزگویی کردند و این به مرور به عموم مردم هم رسید. باید با کار فرهنگی این روش اشتباه در ذهن و رفتار مردم اصلاح شود. کار رسانه‌ای لازم است. این تغییر میلی‌متری است اما بسیار عمیق و تاثیرگذار است. ما هنوز داریم تاوان سریال پاپ‌چهر را می‌دهیم. سریالی که اصطلاح پاپه‌خواری را در جامعه باب کرد و غیرمستقیم این کار را به همه آموزش داد اما می‌توان با کار رسانه‌ای از طریق فیلم و سریال خوب دیدن، خوشبینی را هم آموزش داد. هرچند به نظر من نسل جوان ما باعث‌تر و آگاه‌تر از این حرف‌هاست. این نسل تملق‌گویی را پشت سر گذاشته و دیگر تن به این کار نخواهد داد. نسل جوانی که تملق‌گویی را اصل کار خود قرار داده و مجیز‌کسی را نخواهد گفت، نسلی که خوبی‌ها و زیبایی‌ها را می‌بیند با روش خود آن را ترویج می‌کند اما الکی به کسی باج نمی‌دهد. من به این نسل امیدوارم.

خوشبینی از شرق تا غرب

مرتضی حیدری آل‌کنیر، شاعر جوان اهل خوزستان تعریف قشنگی از خوب دیدن دارد. او که درس ادبیات خوانده و در زمینه ادبیات و فرهنگ ایرانی زیاد تحقیق کرده بر این باور است که خوبی و خوب دیدن و خوشبینی در ذات شرقی‌هاست.

آقادر کلاس‌ها و آزمون‌های

مثبت‌اندیشی به اصطلاح دوزاری زیاد شده که دیگر با آکاره باید درباره زیبا دیدن، خوب دیدن و مثبت دیدن نوشت و حرف زد. ما همه اینها امروز می‌خواهیم در اینجا درباره دیدن خوبی‌های دیگران بنویسیم و این که خوبی‌های دیگران را قبل بدی‌ها و کژی‌های آنها ببینیم. آنها را به طرف مقابل بگوییم تا او بداند چه خوبی‌هایی دارد که شاید خودش از آنها غافل است برای همین است که برخی اوقات حتی شده ناخواسته و ناغافل نیش می‌زنند و دیگران را می‌آزارد. شاید اگر آن طرف خودش بداند صاحب خوبی‌هایی هم هست، دیگر بدی نکند. این چه کاری است که خوب باشی و بتوانی خوبی کنی و از خودنام‌نیک و خاطره‌نیک و راه‌نیک به جای بگداری اما به این مسیر نیروی و کاری کنی که باعث لعن و نفرین باشی و آدم‌ها به جای این‌که به سمت بیایند از همنشینی و هم‌صحبتی با تو اگر شده به اندازه یک سلام لذت ببرند از تو دوری کنند که با تو به اندازه یک چشم در چشم شدن و از کنار هم رد شدن، برنخورند. نمی‌دانم، شاید اگر آدم‌ها به خوبی‌های خود پی ببرند، دیگر آدم بد پیدا نشود. پس به رسم مجری‌های رادیو و تلویزیون و همان مربیان مثبت‌اندیشی هرچند کنایه‌ای نبود می‌توایم که ببیند خوبی‌های یکدیگر را پیدا کنیم و آنها را به هم یادآوری کنیم و آنقدر این کار را انجام بدهیم که همه باورمان بشود ما خوبیم و خوبی‌ها را دوست داریم و خوبی‌ها را پیدا می‌کنیم.

خوشبینی از شرق تا غرب

مرتضی حیدری آل‌کنیر، شاعر جوان اهل خوزستان تعریف قشنگی از خوب دیدن دارد. او که درس ادبیات خوانده و در زمینه ادبیات و فرهنگ ایرانی زیاد تحقیق کرده بر این باور است که خوبی و خوب دیدن و خوشبینی در ذات شرقی‌هاست.

آقادر کلاس‌ها و آزمون‌های

مثبت‌اندیشی به اصطلاح دوزاری زیاد شده که دیگر با آکاره باید درباره زیبا دیدن، خوب دیدن و مثبت دیدن نوشت و حرف زد. ما همه اینها امروز می‌خواهیم در اینجا درباره دیدن خوبی‌های دیگران بنویسیم و این که خوبی‌های دیگران را قبل بدی‌ها و کژی‌های آنها ببینیم. آنها را به طرف مقابل بگوییم تا او بداند چه خوبی‌هایی دارد که شاید خودش از آنها غافل است برای همین است که برخی اوقات حتی شده ناخواسته و ناغافل نیش می‌زنند و دیگران را می‌آزارد. شاید اگر آن طرف خودش بداند صاحب خوبی‌هایی هم هست، دیگر بدی نکند. این چه کاری است که خوب باشی و بتوانی خوبی کنی و از خودنام‌نیک و خاطره‌نیک و راه‌نیک به جای بگداری اما به این مسیر نیروی و کاری کنی که باعث لعن و نفرین باشی و آدم‌ها به جای این‌که به سمت بیایند از همنشینی و هم‌صحبتی با تو اگر شده به اندازه یک سلام لذت ببرند از تو دوری کنند که با تو به اندازه یک چشم در چشم شدن و از کنار هم رد شدن، برنخورند. نمی‌دانم، شاید اگر آدم‌ها به خوبی‌های خود پی ببرند، دیگر آدم بد پیدا نشود. پس به رسم مجری‌های رادیو و تلویزیون و همان مربیان مثبت‌اندیشی هرچند کنایه‌ای نبود می‌توایم که ببیند خوبی‌های یکدیگر را پیدا کنیم و آنها را به هم یادآوری کنیم و آنقدر این کار را انجام بدهیم که همه باورمان بشود ما خوبیم و خوبی‌ها را دوست داریم و خوبی‌ها

پرنده‌های تهران / تهران پر از پرنده است / تهران پر از پرنده است / تهران پر از پرنده است

بهرت است بگویم فقط کبوتربازهای قم و نیویورک نمی‌گویند، این را همه ادیب‌ها و نویسندگان و شاعران جهان می‌گویند و همه هنرمندان در آثار هنری‌شان وقتی بخواهند حرف از صلح و دوستی بزنند به این پرنده اشاره می‌کنند.

مدتی است حضور پرنده‌ها و به خصوص کبوترها در شهرهای بزرگ مثل تهران بیشتر شده است. عده‌ای می‌گویند این زیادشدن کبوترها عمدی است و شهرداری می‌خواهد با این کار جلوه بهتری به شهر بدهد و عده دیگری هم مثل من دوست دارند فکر کنند فوجی از کبوترها جایی از دنیا نشستند و با همدیگر مشورت کرده‌اند و گفته‌اند دیگر اینجا جای ماندن نیست، باید یک جای بهتر برای زندگی پیدا کنیم، جایی که درودیوارهایش حرف برای گفتن داشته باشند و مردمش خنده از روی لب‌هایشان نیفتد. بعد باهم به شور نشستند و بال به هم زدند و دورهم دانه خورده‌اند و دست‌آخر به این نتیجه رسیدند که باید برویم تهران! حالا نمی‌دانم خود تهران را قبلاً دیده بودند که راجع به درودیوار و لب‌های مردمش آن‌طور فکر می‌کردند یا این که این شهر را فقط در عکس‌های خوش آب و رنگ دیده بودند و وصفش را در صفحات مجازی گردشگران خوانده بودند که این تصمیم را گرفته‌اند.

هر چه باشد حضور پرندگان و به خصوص کبوترهایی که در همه فرهنگ‌ها خوش‌یمن به حساب می‌آیند و به قول ادیبان و هنرمندان پیام‌آوران صلح و دوستی‌اند و به قول کبوتربازها هزار و یک جور حسن و مزیت دیگر دارند، برای این شهر خوب است. برای ما مردمی که بعضی وقت‌ها یادمان می‌رود زندگی فقط حرکت کردن در مسیر طبیعت است، خوب است. ^۱

عکس: ایرنا